

D

ترکان

و

بررسی تاریخ، زبان و هویت آنها در ایران

حسن راشدی

تهران ۱۳۸۶

راشدی، حسن، ۱۳۳۳-

ترکان و بررسی تاریخ، زبان و هویت آنها در ایران / حسن راشد. -- تهران:
اندیشه نو، ۱۳۸۵.
ص. ۳۱۵

ISBN: ۹۶۴-۶۷۴۱-۸۱-۹

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۳۰۷]-۳۱۵، همچنین به صورت زیرنویس.

۱. ترکان -- ایران -- تاریخ. ۲. زبان ترکی -- ایران -- تاریخ. ۳. زبان ترکی
آذربایجانی -- ایران -- تاریخ. الف. عنوان

۹۵۵ / ۹۷۹۷

DSR ۷۲ / ۴ ر. ۲

۳۵۶۱۶-۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: ترکان و بررسی تاریخ، زبان و هویت آنها در ایران
نویسنده: حسن راشد (مدرّس زبان ترکی آذربایجانی دانشگاه)

حرفچینی: خانه نشر اورخون - ۳۸۲۱۸۴۰ - ۰۲۶۲

صفحه آرا: زینب محمدخانی

طراح: مهیار علیزاده (آیخان)

محل چاپ: تهران

سال چاپ: ۱۳۸۶

ناشر: " اندیشه نو " تهران- میدان انقلاب ، اول کارگر شمالی، پاساژ

فیروز، طبقه دوم، تلفن: ۶۶۴۲۷۳۷۱

تیراژ: ۲۲۰۰ جلد

ISBN: ۹۶۴-۶۷۴۱-۸۱-۹

شابک: ۹۶۴-۶۷۴۱-۸۱-۹

فهرست

.....	مقدمه
.....	باشلانیش
.....	تحریرف تاریخ
.....	بازگشت به خویشتن
.....	رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز
.....	چشم انداز آتی ناسیونالیسم قومی در آذربایجان ایران
.....	الف- عوامل مؤثر بر شکل گیری ناسیونالیسم قومی
.....	ب- وضعیت ناسیونالیسم قومی در آذربایجان
.....	ج- ایدئولوژی قومی
.....	د- پایگاه اجتماعی و شیوه‌های طرح مطالبات قومی
.....	۱- نخبگان و فعالان قومی
.....	۲- دانشجویان و تحصیل کردگان
.....	۳- توده های اجتماعی
.....	نتیجه گیری
.....	واقعیتهای تاریخی و بافت جمعیتی کشور
.....	کسروی و تحریفهای او
.....	ترکان و زبان ترکی در آئینه تاریخ و ادبیات
.....	فارسی دری، زبان مهاجر با بومی در ایران؟
.....	سیمای ترکان در آثار شعرای فارسی گوی و مورخین مشهور
.....	چهره ترکان از نظر ژنتیکی
.....	اهمیت زبان ترکی در ایران در قرون گذشته از دید مورخین، سیاحان و دیپلماتهای خارجی
.....	
.....	در ذکر شمه‌ای از شمایل و فضایل خاصه پادشاه جمجاه خلدالله ملکه و سلطانه
.....	
.....	دغدغه ناسیونالیستهای افراطی
.....	آذربایجان تاریخی و محدوده آن از نظر مورخین

..... جمهوری آذربایجان و بحث بر سر این نام.

..... ایران و ما

..... آذربایجان و ایران

..... منابع مورد استفاده

بو کیتابی،

۵۱ یاشیمدا اولارکن، الیمی مزار داشینا قویاندا

اؤزومو ۵-۶ یاشلی کیچیک بیر اوشاق ساندیغیم حالدا

باشیمی محبت قاینانی ساییلان قوجاغینا قویدوغوم ایللیری

خاطیرلایاراق آنا دوغولارینی بوتون وجودوما هۇپدوران و ۳۵

یاشیندا آرزولارچیچگی سولان آنامین پاک و موقدس روحونا

اتحاف اندیرم!

مقدمه

تاریخی که ما امروز از آن به عنوان تاریخ ایران نام می‌بریم و در مدارس و دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود، عموماً تاریخی است که اساس و پایه آن بیشتر از زمان به حکومت رسیدن رضاخان و در ادامه حاکمیت خاندان پهلوی، به دست پرورش یافتگان مکتب باستانگرایی این دوران بنیان‌گذاری شده است که آنرا می‌توان «تاریخ پارسیان» نامید.

چرا که مبدأ این تاریخ نه از زمان تشکیل حکومت‌های بومی در سرزمینی که امروز ایران می‌نامیم، بلکه از زمان به حکومت رسیدن هخامنشیان که بنیان‌گذاران تاریخ پارسیان هستند شروع می‌شود؛ چنانچه در زمان محمدرضا پهلوی که باستانگرایی دوران پهلوی مراحل تکاملی خود را طی می‌کرد مبداء تقویم ایران از هجری شمسی که مبداء اسلامی داشت به شاهنشاهی، که مبداء حاکمیت کوروش هخامنشی پادشاه پارس در ۵۵۰ قبل از میلاد را می‌رساند تبدیل شد!^۱

گرچه اسنادی که در دست است و با موجود بودن کتیبه‌های زیادی که به زبانهای سومری، ایلامی، اورارتویی و ماننایی نوشته شده است می‌رساند که

^۱ - در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی، از طرف حکومت محمدرضا پهلوی به جای هجری شمسی، تاریخ شاهنشاهی با سال ۲۵۳۵، مبداء سالشمار ایران شد که عمر این تاریخ به دو سال نینجامید و بعد از انقلاب اسلامی مجدداً مبداء هجری شمسی، مبداء تاریخ ایران قرار داده شد.

حدود ۴۰۰۰ الی ۴۵۰۰ سال قبل از حاکمیت هخامنشیان و سکونت اقوام مهاجر آریایی در سرزمینی که ایران می‌نامیم، حکومت‌های مقتدر بومی در این مناطق حاکمیت داشتند و اولین تمدن بشری هم به وسیله سومریان که زبان التصاقی داشتند به بشریت هدیه شده است،^۱ لاکن تاریخ نویسان دوران پهلوی به جای پرداختن به تاریخ ۷۰۰۰ ساله ایران، همواره از تاریخ ۲۵۰۰ ساله نام برده و آنچه که مربوط به زمانهای پیش از حکومت هخامنشیان است به عنوان «حوادث پیش از تاریخ»، آنهم به اختصار یاد کرده‌اند!

در تاریخ ۲۵۰۰ ساله نیز جایگاه و مقام اصلی به دولتهای هخامنشی و ساسانی قبل از اسلام داده شده و از حکومت‌های ۱۴۰۰ ساله بعد از حاکمیت اسلام نیز، حکومت کوتاه مدت سامانیان، که فرمانروایی مناطق افغانستان و تاجیکستان امروزی را به عهده داشتند و هیچوقت بر مناطق مرکزی و اصلی ایران حکمرانی نکردند ولی به زبان دری (فارسی دری) صحبت می‌کردند در اولویت قرار گرفتند!

تاریخ نویسان دوران پهلوی که با افکار ناسیونالیستی افراطی و با حمایت رضاخان شروع به تدوین تاریخ جدید ایران کردند، تاریخ ایران را تنها در موجودیت قوم پارس خلاصه کرده و وجود ملل و اقوام غیرفارس در ایران را به انحاء مختلف انکار می‌کردند!

^۱ - سومریان اولین مخترع خط غیرتصویری میخی و مبتکر بسیاری از تمدنهای دیگر از جمله تقسیم زمان، کتاب و کتابخانه و مدرسه، اهلی کردن حیوانات، ساختن ارابه، سکه زدن، سند نوشتن، قانونگذاری، ریاضیات، پزشکی، نجوم، موسیقی و دیگر علوم بودند. (از ویل دورانت، کتاب «تاریخ تمدن» جلد ۱، ص ۱۹۱، ترجمه مترجمین، چاپ ششم، نسخه CD شده).

آنها افراط گرایی در ناسیونالیسم را به باور دینی مردم هم سرایت داده به تحقیر دین اسلام و حمایت از زرتشتیگری پرداختند که دینی به مراتب عقب مانده تر از دین اسلام بود.^۱

در کتابهای تاریخ ایران که در مدارس و دانشگاهها تدریس می شود، امرای سامانی قرن چهارم هجری به علت دری زبان بودنشان، ایرانی، ولی غزنویان، سلجوقیان و دیگر امپراتوران ترک که علاوه بر حاکمیت مناطق تحت نفوذ سامانیان کلیه مناطق ایران امروزی تا آسیای صغیر را اداره می کردند و مراکز حکومتی آنها غزنه، شهر ری، اصفهان، همدان و دیگر شهرهای امروزی ایران بوده بیگانگان نامیده می شوند!

در حالی که اگر مشترکات زبانی سامانیان با هموطنان فارس زبان امروزی دلیل بر ایرانی نامیدن سامانیان است، مشترکات زبانی غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان و دیگر امپراتوران ترک با ترکان امروزی ایران نیز به همان دلیل، برهان محکمی است بر ایرانی بودن این امپراتوران.

لاکن اگر مناطق تحت حاکمیت سامانیان را جزء اراضی ایران فرض می کنیم و همین عامل دلیل بر ایرانی بودن آنها در نظر گرفته می شود، سلاطین ترک به مراتب بیشتر از سامانیان بر اراضی ایران حاکمیت داشتند، چنانچه سامانیان هرگز حاکمیت بر مناطق جغرافیایی سیاسی ایران امروزی نداشتند در حالیکه غزنویان علاوه بر حاکمیت مناطق تحت نفوذ سامانیان، پاکستان و هندوستان امروزی، مناطق مرکزی ایران امروزی تا اصفهان و ری را هم اداره می کردند و

۱- حمایت از زرتشتی گری و تحقیر دین اسلام در این دوران را در آثار روشنفکران بسیاری چون عارف قزوینی، عبدالحسین زرینکوب و دیگر باستانگرایان می توان مشاهده کرد. (جهت اطلاعات بیشتر به کتاب «باستانگرایی در تاریخ معاصر ایران» اثر رضا بیگلرلو، انتشارات مرکز مراجعه شود).

سلجوقیان هم از غرب چین تا آسیای صغیر و بیزانس را در حاکمیت خود داشتند و مراکز حکومتی و پایتخت خود را هم شهر **ری**، **اصفهان** و **همدان** قرار داده بودند. حال با در نظر گرفتن مؤلفه‌های فوق، باید پرسید کدامیک از حکومت‌های هزار ساله اخیر ایران، از زمان سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان تا پایان قاجاریه ایرانی تر بوده‌اند؟!

علاوه بر اینها، آنچه که در کتابهای تاریخ مدارس و دانشگاهها بیشتر به چشم دانش آموز و دانشجو می‌خورد جمله «سبکتکین غلام ترکی بود در دربار سامانی»^۱ است! اما از منسویّت آدم بیسواد و تیمارگر اسب دوره قاجار که بعدها اولین شاه دیکتاتور خانواده پهلوی ایران شد به ملت یا قوم «خاص» حرفی به میان نمی‌آید!

همچنین در کتابهای درسی دانش آموزان و دانشجویان نه تنها به چگونگی رشد ادبیات فارسی که زائیده دوران هزار ساله اخیر است و این، پادشاهان ترک بودند که با داشتن تمام معایب فرضی، با دادن صلّه و انعام، به توسعه زبان فارسی دری می‌پرداختند، اشاره‌ای نمی‌شود، هر جا فرصتی پیش می‌آید به تحقیر این سلاطین آنهم به خاطر ایرانی (فارس!) نبودنشان می‌پردازند!

در نهایت، تاریخ نگاران هشتاد ساله اخیر ایران، ترکان آذربایجان و دیگر ترکانی را که در مناطق استان تهران، مرکزی، اصفهان، خراسان، فارس، کرمان و

^۱ - سبکتکین امیرزاده ترکی بود که به همراه خانواده خود در ۱۲ سالگی اسیر طایفه دیگری از ترکان می‌شود و بعد از چهار سال اسارت به خاطر هوش و ذکاوتش در اختیار آلپتکین ترک از امرای سامانی قرار می‌گیرد و داماد وی و سپس سر سلسله غزنویان می‌شود. سبکتکین پدر سلطان محمود غزنوی است (جهت اطلاعات بیشتر به کتاب «تورکلرین تاریخ و فرهنگینه بیر باخیش» اثر دکتر جواد هیئت ص ۱۰۶ مراجعه شود).

دیگر مناطق ایران زندگی می‌کنند، نه ترکان اصیل، بلکه ترک شدگانی معرفی می‌کنند که گویا اصلیت فارسی یا تاتی داشته‌اند و به اجبار سلاطین سلجوقی ترک زبان شده‌اند! در حالیکه آنچه از حاکمیت ترکان بر ایران در طول هزار سال اخیر بر می‌آید و بیشتر منشیان و مورخین دربار این دوران هم از فارس زبانان بوده‌اند، نشان می‌دهد که امپراتوران ترک همواره از شعرا و نویسندگان زبان فارسی دری حمایت کرده و در توسعه این زبان در مناطق مختلف ایران نقش موثر داشته‌اند، در حالیکه در دوران سامانیان عموماً گویندگان این زبان تنها در مناطق افغانستان و تاجیکستان امروزی متمرکز بوده‌اند و به همین دلیل، تا قرن هفتم هجری حتی یک بیت شعر و یا یک سطر نثر به زبان فارسی دری در استان فارس که مرکز اصلی فارسی زبانان است سروده و یا نوشته نشده است!^۱

در دوران حاکمیت ده قرن اخیر ترکان بر ایران، در هیچیک از صفحات تاریخ که سلاطین ترک بخواهند زبان ترکی را بر ملل و اقوام تحت حاکمیت خود تحمیل کنند و یا حتی مثل زبان فارسی دری از زبان ترکی حمایت کنند اشاره‌ای نشده است؛ از این بابت است که این امپراتوران را می‌توان حامیان پلورالیسم فرهنگی زمان خود دانست.

لذا تحمیلی نامیده شدن زبان ترکی مردم آذربایجان و دیگر ترکان ایران زائیده تفکر ناسیونالیسم افراطی دوران پهلوی است که متاسفانه هنوز هم طرفدارانی دارد!

در این کتاب سعی شده است در مورد زبان ترکی و ترکان، بخصوص ترکانی که در چارچوب کشور ایران و جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند و

^۱ - «زبان فارسی در آذربایجان» گردآوری ایرج افشار، صص ۳۸۶-۳۸۵، تهران - ۱۳۶۸ / دکتر مهدی

حمیدی، بحثی دربارهٔ سعدی، کنگره جهانی سعدی و حافظ، شماره ۴۷، صص ۷۱-۷۰.

قبل از جنگ ایران و روس و معاهده گلستان و ترکمنچای سرنوشت تاریخی مشترک داشته‌اند و مناطق سکونت آنها در تاریخ طبری، بلعمی، نزهت‌القلوب حمداله مستوفی و دیگر مورخین «آذربایجان» نامیده شده است؛ با استفاده از منابع تاریخی معتبر و بی‌طرف، اطلاعات مستند و بی‌غرض در اختیار مطالعه کنندگان قرار گیرد.

پنجره

باشلانیش

بو کیتابین یازیلماغا تَمَل داشی، ۱۳۸۱- جی ایلین سونلاری و ۱۳۸۲- جی

هویت بۇحرانینا دوچار اولان و ایران آدلی اۆلكهده جمعیت باخیمیندان نسبی اکثریت مالیک اولاراق حتی ابتدایی قَدَری اؤز دیلینده مکتبی اولمایان تورکلرین کئچمیش تاریخی و هویتی حاقدا تدقیقات آپارماغی و بو ساحهده کیتاب حاضیرلاماغی اؤزومه بورج ساندیم.

بو ایکی ایل یاریمین عرضینده المدن گلن قدر کئچمیش قرنلرده یازیلان بلعمی، بیهقی، راوندی، رشیدی و بعضی باشقا تاریخی کیتابلارین موطالعہسی ایله یاناشی موعاصیر دؤورده یازیلان تاریخی کیتابلار، حتی شوونیستی فیکرلر ایله تورکلر علیینه چاپ اولان کیتابلارین موطالعہسیندن بئله واز کئچمه دیم.

افراطی ناسیونالیسم فیکرلر ایله یازیلان کیتابلارین بیر چوْخ یئرلرینده آچیق-آیدین تاریخی تحریفلری گؤروب سَنَدلره دایاناراق اونلارا جاواب یازدیم، نهایت الینیزده اولان کیتاب ۱۳۸۴- جو ایلین سونلارینا یاخین حاضیرلاندى.

ایلک اؤنجه کیتابی دوغما دیلیمیزده یعنی آذربایجان تورکجه سینده یازماق ایسته دیم، لاکین دیلیمیزین مکتبلرده رسمی شکیلده درس وئریلمه مه سی و حتی ایسلامی انقلابین غلبه سیندن ۲۷ ایله یاخین کئچمه سینه رغماً، آنا یاسانین (اساس قانون) ۱۵- جی ماده سی نین اجرا اولماماسی، یعنی فارس اولمایان دیللرین مکتبلرده تدریس اولماماسی سببیدن، دوغما دیلیمیزده آز عدّه نین اوخوما ایمکانینی و اوخوجولاریمیزین فارس دیلینده تحصیل آلدیغینی و بو دیلده یازیب- اوخوماغا عادت ائتد کلرینی گؤز اؤنونه آلاراق هله لیک کیتابی فارس دیلینده یازدیم.

طبیعی دیر بوتون کیتابلاردا اولدوغو کیمی بو کیتابدا، نوقصانلاردان اوزاق اولا بیلمز، لاکین چالیشدیق ایمکان دایره سینده، ادعالاریمیز سَنَدلره دایانسین و افراط- تفریطدن اوزاق قالاق.

آرزو اندیرم بو کیتاب آز اولموشسادا آذربایجان میلتی و عمومیتله ایران اولکه سی چرچیوه سینده یاشایان تور کلرین دلیل، تاریخ و وارلیغی نین بیر حیصه- سینی واقعی و تحریف اولمامیش شکیلده گؤستره بیلسین.

بؤیوک عالیمیمیز، رحمتلیک پروفئسور زهتابی نین روحی شاد اولسون دئییه اومید اندیرم باشقا عالیملریمیز دلیمیمیز، تاریخیمیز و وارلیغیمیز ساحه سینده داها درین آراشدیرمالار آپاریب یثنی کیتابلار یازیب میلتیمیزی باشقا حقیقت لرله تانیس اتتسین لر!

بو کیتابین یازیلماسیندا منه یاردیمچی اولان حؤرمتلی قلمداش و فیکیرداشلاریم درین سایقی و سؤگیمی بیلدیرمکله یاناشی، بو کیتابین تایپ و اصلاح ایشلرینی صمیمیت و حوصله ایله باشا چاتدیران عزیزلریمیز «اورخون یابین ائوی» عضولرینه اؤز تشکؤرلریمی بیلدیریر و باشی اوجا میلتیمیزه اوغورلار و باشاریلار آرزولاییرام!

حسن راشدی

۱۳۸۴/۹/۱۹